

برای همسایه‌های آفتاب



بسیاری ازدستورهای دینی برای اصلاح زندگی اجتماعی صادر شده است، دستوراتی که انتظاری می رود دست کم در شهرهای مذهبی، کسانی که ادعای دین داری دارند، به آن ها عمل کنند.

این روزها در شهرهای بزرگ باتوجه به تراکم جمعیتی که وجود دارد، شکل جدیدی از همسایگی به وجود آمده است و در این وضعیت، رعایت حقوق همسایگی و دستورهای اخلاقی دین درباره همسایگان، ضرورت بیشتری پیدا می کند.

در این نوشتار می خواهیم به برخی حقوق همسایه در اسلام اشاره کنیم. همان طور که می دانید، معروف است که پیامبر خدا(ص) آن قدر درباره همسایه و حقوق اوسا فرمود که مسلمانان گمان کردند همسایه از همسایه ارث خواهد برد و پیامبر میراثی برای همسایه تعیین خواهد فرمود. امروز یکی از موقعیت هایی که رعایت حقوق همسایه در آن ضرورت بیشتری پیدا می کند، زندگی های آپارتمانی است و تنها با این گونه رعایت کردن هاست که افرادی توانند با آسایش و راحتی کنار هم زندگی کنند. در قدیم مردم رسم داشتند از آنچه می خوردند، با همسایه هم قسمت کنند اما این موضوع کمی در زندگی های شهری سخت شده است، البته باز هم می شود اگر همسایه ای از نظر اقتصادی ضعیف تر است و ما خوراکی یا میوه و بژهای تهیه کرده ایم، با عزت و احترام کمی از آن را برای همسایه بفرستیم و چقدر خوب است که این کار را با رعایت آداب به پیچه ها بسپریم تا آن ها هم به این طور دستور ها آگاه شوند و این موارد را یاد بگیرند.



حسین ابراهیمی
فعال فرهنگی

احادیث و دستورهای عجیبی درباره همسایه از زبان بزرگان دینی ماصادر شده است که نمی توانیم حق همسایه را نادیده بگیریم؛ آنجا که رسول خدا(ص) می فرماید: « احترام همسایه، مانند احترام مادر، بر انسان لازم است، و چه زیباست شهری که در آن، این احترام ها و ریزه کاری های اخلاقی و حقوقی رعایت شود که در روایات داریم رعایت این حقوق، موجب آباد شدن شهرها و زیاد شدن عمرهای می شود، »

بفرموده امام رضا(ع) «مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و از مانعیت آن که همسایه اش از شراو در امان نباشد، » (عیون اخبار الرضا(ع)، ج یک، ص ۲۴)،

و نکته ای که اینجا وجود دارد، این است که به ما مشهدی ها مجاور می گویند، یعنی کسانی که در مجاورت و همسایگی امام معصوم زندگی می کنند و کاش طبق این دستور، آزار ما به امام رکوف نرسد و جدا از موارد دیگر، بتوانیم همسایه های خوب و لایقی برای ایشان باشیم تا بیشتر از پیش از مواهب و عنایت حضرتش بهره مند شویم. ان شاء الله!...

به رساله با آذه کرامت، خادمان امام رضا(ع) به همراه پرچم رضوی در قالب کاروان «زیر سایه خورشید» به نقاط مختلف کشور سفر می کنند تا فرصت تبرک جستن به پرچم حرم امام رضا(ع) برای افرادی که توان سفر به مشهد مقدس را ندارند، مهیا شود. در این راستا روز گذشته خادمان حرم امام هشتم(ع) در قالب کاروان زیر سایه خورشید، به دیدار خانواده های جان باختگان حادثه متروپل در آبادان و میونسو شهر رفتند و با همراه داشتن پرچم متبرک حرم امام رضا(ع) از آن ها دلجویی کردند.

زین قشپاکی

علیرضا حیدری مدرس ویراستاری

● خوب است بدانیم که همانند ابوریحان، کوشش های خوبی در متون گذشته برای فارسی نویسی شده است. شما حتی در قرن های هفتم و هشتم هم که عربی نویسی رواج داشت، در متونی مانند فیه مافیه یا گلستان و امثال آن، واژه ها و ترکیب های نابیی می بینید که یابیه سمت فارسی نویسی رفته است یا بر ساخته این بزرگان است؛ چند نمونه از «فیه مافیه» مولانا را می خوانیم:

به زیر کشیدن: تنزل
دراز نای دارد: طول می کشد.
نایاب است: نادرست، ناشایست
گله: شکایت
زفت: فریه، بزرگ
نان پاره: اندک مایه
کروفر: شکوه و دبدبه
بیرون شو: بیرون رفت
بی برو برگ: بیی ثمر

#زین قندپارسی

حدیث روز

امام رضا(ع) فرمود:

قرآن ریسمان

محکم الهی و رشته

استوار و مطمئن

او در میان بندگان

است.

بحار انوار، ج ۱۷، ص ۹۱



۱۶٪

رطوبت هوا

۳۷°↑۲۲°↓



صبح ۳۳



عصر ۲۷



شب ۲۴

●اذان ظهر ۱۳:۳۷● نیمه شب شرعی ۲۳:۳۷:۰۷

●غروب آفتاب ۱۹:۴۷:۳۰● اذان صبح فردا ۰۳:۲۶:۲۵

●اذان مغرب ۲۰:۰۸:۴۶● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۱۳:۳۶

SHAHRARANEWS.IR

سال چهاردهم

۱۸ خرداد ۱۴۰۱
۸ ذی القعدة ۱۴۴۳
شماره ۳۶۸۳

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir



میثاق نامه اخلاق حرفه ای



عکس: احمد حسینی

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهرداری مشهد
- مدیر عامل: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۷۲۸۹۰۰۰۰



من و چهارشنبه های امام رضایی

نفس نفس، بهشت می شوم در حضورتان

است در فضایی زیبا و سرسبز و در حالی خوش. گفته است و شنیده است از آن ها، از جمله از پدر من پرسیده است از پسران چه خبر؟ به شما می رسد عمو؟ جواب را پدر چنین داده است، بله، هفته ای دوبار ما را به زیارت امام رضا(ع) می برد. هفته ای دوبار! با خود فکر می کنم قصه این دوبار زیارت چه می تواند باشد؟ یاد می آید که در چهارشنبه های امام رضایی، دو قدم و قلم برمی دارم به نام حضرت شمس الشموس(ع).

حالا بماند که چیست اما عاشقانه است. چیزی بین نامه نوشته و نانوشته. از آن به بعد، به تک حروف و تک نفس ها و تک قدم های بیشتر دقت می کنم. برای من حکم زیارت شمارا دارد، زیارتی که حضرت پدر هم پیش روی من قدم برمی دارد. مثل زیارت نامه خوانی است که یک روستایی بی سواد به قلم می آورد، آن سان که شبان شوریده حال قصه موسی(ع) می خواند. این راهم نوشتم. مطمئنم فرشتگان خدا برای پدر خواهند خواند. مگر می شود چیزی به نام شما و برای شما باشد و فرشتگان در ملک و ملکوت آواز نکنند؟ حالا منتظرم تا با کسی پدر را در خواب ببیند و پیغام بیداری بیاورد. ما همه چیزمان را با شما معنا می کنیم. عشق، شما بید و آفتاب شما. آب حیات برای ما همانی است که در سقاخانه شما، پیاله می شود. بهشت درست لحظه ای است که در حرم شما صلوات، تازه می شود. زندگی در بشکوه ترین حال خود، تنفس به ذکر غنی شده در «حائر» حرم شماست. هیچ حلاوتی چون دور کعت نماز در بالاسر، کام جان را شیرین نمی کند. در حضورتان نشسته ام و به حضرتتان عرض حال می کنم. می دانم که خوش احوالی، روزی همه ما خواهد شد، روزی همه ایرانیان، روزی جهانیان، به این امید دلخوشیم همیشه.

غلامرضایی اسدی- روزنامه نگار ادر حضورتان نشسته ام به عرض حال. با اینکه می دانم «هم قصه ناموده ادبی/هم نامه نانوشته خوانی»، دست به قلم می شوم برای نوشتن آنچه از دل برمی خیزد. این نوشتن را می دانم که برای خواندن شما نیست، بلکه مثل افشاندن جان بذر زمین است که چون بشکفتد، جان خودم را شکوفای کند. من روستا زاده ام و زبان آب و زمین را می فهمم. فراوان دوست دارم زمین های جوانه زده و سبز را. بله، آقای من! نشسته ام در حضورتان و قلم به سماع بر کاغذ می رود. واژه های تراوند، چنان که قطرات آب از گلولی چشمه. یاد پدر می افتم که از فرسنگ ها راه دور به سلام، دست بر سینه داشت مثل همه مردمان روستای ما که خیلی هایشان با نام نامی حضرت شما صاحب شاسنامه و نام می شدند. ترکیب نام غلامرضا و علیرضا و محمد رضا و رضا، از پرفراوان ترین نام های روستای ماست و من راهم پدر و مادر به عشق شما نام نهادند و فرستادند تا در حریم شما زندگی کردن را بیاموزم. برای من این آمدن، سفر نبود، نوعی هجرت را معنای داد. آمدم و در استان شما نماز را تمام خواندم. خیلی وقت ها، به نام خودم و به نسبتی که باید با شما داشته باشم، فکر می کنم و به پدر که ۱۰ سالی می شود به رحمت خدا رفته است و به مادر که هر روز به نام و یاد شما باید به اوزنگ بزنم تا سلام دهد به حضرت شما. این بار از حضور شما تماس می گیرم تا رایحه ملکوت فرسنگ ها را برود و کوه ها را بشکافد و به روستا برسد. سلام را که می گویم و خبر تشریف را که می دهم، مادر نیز در شوقی بشکوه به شما سلام می دهد و از خوابی می گوید که یکی از اقوام دیده است. برای من پر مفهوم و بیداری بخش است، شبیه روای صادقه: « دختر عمویت گفت پدر خودش و پدر تو را به خواب دیده

کتاب خون

ادب حضور

زیارت به طور کلی به معنای بازدید کردن، دیدار با شخصی بزرگ یا رفتن به مشاهد متبرک است. اما صرف رفتن به یک مکان مقدس را نمی توان زیارت به حساب آورد. زیارت آدابی دارد و هر زیارتی نیز در درگاه حق پذیرفته نمی شود. برای زیارت باید با تمام قلب حضور داشت و روح آن را در کرد. محمد رستمی در کتاب «ادب حضور» که نشر «شهید کاظمی» منتشر کرده، آداب زیارت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، حضرت امام خامنه ای (مد ظله العالی) را گردآوری کرده است. همچنین او بخشی از کتاب را به احکام درباره زیارت طبق فتوای معظم له اختصاص داده است.



حضور خادمان حرم مطهر رضوی در آسایشگاه جانبازان بوستان ملت

عکس: هادی مؤبد | شهر آرا

عکس روز

طرح روز

آبادان سربلند

طراح: حمید فخار

شانزده روز پیش «متروپل» فرور بخت و تلی از خاک از آن به جا ماند. پیکرها را یک به یک از زیر خاک بیرون کشیدند؛ حالا پس از گذشت روزهای تلخ، همچنان سبز و امیدوار مثل مردم خوزستان، ایستاده تا نمادی باشد برای مقاومت در مقابل درد ها.

طی چند روز گذشته در میان انبوه آوار متروپل، نخلی سرسبز، قوت قلبی شد برای نیروهای امداد رسان و مردمی که از استان های مختلف برای کمک رسانی همدل شده بودند. این نخل متعلق به یکی از چهار خانه ای است که تخریب شدند تا روند آواربرداری با سرعت بیشتری دنبال شود. اما حالا نخل بر جای مانده در میان آوار به نماد امید، مقاومت و ایستادگی تبدیل شده است.